

عنوان مقاله:

بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، حجم حمل و نقل و تخریب زیست محیطی در ایران: رویکرد جداسازی

محل انتشار:

فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره 20، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 37

نویسنده:

فرشته محمدیان - استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

خلاصه مقاله:

چکیده گسترده معرفی: یکی از الزامات رشد اقتصادی، توسعه بخش حمل و نقل و خدمات وابسته به آن است. اما توسعه حمل و نقل، علاوه بر آثار مثبت اقتصادی تاثیر انکارناپذیری بر میزان انتشار آلاینده ها دارد. حال این سوال مطرح است که برای کاهش انتشار دی اکسیدکربن در بخش حمل و نقل چه باید کرد به طوری که دستیابی به توسعه اقتصادی مختل نشود. جداسازی انتشار دی اکسیدکربن در بخش حمل و نقل از رشد اقتصادی، کلید ارائه یک راه حل عملی برای دستیابی به توسعه اقتصادی کم کربن است. مفهوم جداسازی به شریایطی اشاره دارد که رشد اقتصادی افزایش می یابد اما تخریب زیست محیطی در همان دوره زمانی کاهش می یابد. این مفهوم اولین بار به وسیله OECD مطرح شد (OECD, 2000). سپس ویهماس و همکاران (2003) جنبه های مختلف جداسازی را تشریح کردند و تاپیو مدل جداسازی مبتنی بر کشش را ارائه کرد (Tapio, Vehmas et al., 2005). متعاقبا جداسازی انتشار دی اکسیدکربن از رشد اقتصادی مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفت (Loo & Banister, 2016; Zhang, 2018; Riti, 2018; Wu et al., 2018; Wang et al., 2018; et al., 2017).

اما در ایران تا کنون مطالعه ای در این زمینه انجام نشده است. بنابراین مطالعه حاضر بر آن است تا با بررسی این موضوع در ایران سهمی در شناسایی اقدامات مناسب برای دستیابی به کربن زدایی در بخش حمل و نقل داشته باشد. متدولوژی: برای تجزیه تغییرات انتشار دی اکسیدکربن به عوامل مختلف محرک آن تکنیک های زیادی از جمله تحلیل تجزیه ساختاری (SDA) و تحلیل تجزیه شاخص (IDA) به کار می رود. با این وجود امروزه تجزیه و تحلیل جداسازی، به عنوان یک مفهوم جدیدتر که نیاز به داده ها و محاسبه کمتری دارد و در مقابل جزئیات بیشتری در خصوص نوع رابطه بین رشد اقتصادی و نشر کربن در اختیار قرار می دهد، مورد توجه ویژه قرار گرفته است. برای انجام تحلیل جداسازی سه رویکرد OECD، ویهماس و همکاران (2003) و تاپیو (2005) وجود دارد. رویکرد OECD دارای معایب مختلفی مانند اندازه گیری نادرست و معیارها (سنجه های) نامشخص است که باعث شد ویهماس و همکاران (2003) این روش را توسعه دهند و در نهایت تاپیو (2005) با اصلاح دسته بندی ویهماس و همکاران (2003) روش آنها را ارتقا بخشید. در انجام این کار تاپیو (2005)، اول، شش حالت ممکن پیوند و جداسازی معرفی شده توسط ویهماس و همکاران (2003) را به هشت حالت منطقی ممکن تغییر داد، دوم، مفهوم جداسازی منفی را مطرح کرد و سوم، با تعریف بازه های مشخص برای کشش تخریب محیط زیستی رشد اقتصادی، هر کدام از حالت های جداسازی و پیوند را دقیق تر مشخص ساخت. بر این اساس در این مقاله برای بررسی جداسازی تخریب محیط زیست از رشد اقتصادی از رویکرد تاپیو (2005) استفاده می شود. خلاصه این رویکرد در جدول 1 آمده است. جدول 1. درجات مختلف پیوند و جداسازی بر اساس رویکرد تاپیو (2005) مآخذ: جمع بندی محقق بر اساس دسته بندی

Source: Tapio (2005) approach Table 1. Degrees of the coupling and decoupling process based on Tapio (2005) approach
Researcher Conclusion Based on Tapio (2005)

C

...

کلمات کلیدی:

جداسازی، تولید ناخالص داخلی، حمل و نقل، انتشار دی اکسیدکربن، ایران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

